

بررسی حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران

التفات خلیل زاده^۱

چکیده

این مقاله به بررسی و تحلیل حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران می‌پردازد. با توجه به اهمیت حفظ کرامت انسانی و عدالت در فرآیند دادرسی، این تحقیق به دنبال تطبیق اصول فقهی با قوانین مدرن است. در ابتدا، مبانی نظری حقوق متهمان در فقه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و اصولی چون اصل براءت، منع شکنجه و تساوی در برابر قانون تحلیل می‌شود. سپس، با مقایسه این اصول با قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نقاط اشتراک و افتراق میان این دو نظام حقوقی شناسایی شده است. در ادامه، چالش‌های قانونی و اجرایی مرتبط با حقوق متهمان در مراحل مختلف دادرسی، از جمله تحقیق، دادگاه و تجدیدنظر، مورد بررسی قرار گرفته و موارد نقض حقوق متهمان در رویه قضایی ایران تحلیل می‌شود. در نهایت، پیشنهادهایی برای تقویت مبانی حقوقی و فقهی، اصلاح و به‌روزرسانی قانون آیین دادرسی کیفری، و افزایش آگاهی و آموزش قضات و وکلای ارائه شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که اصلاحات حقوقی و ساختاری گسترده‌ای برای تضمین حقوق متهمان در نظام قضایی ایران ضروری است.

کلیدواژه‌گان: حقوق متهمان، فقه اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، عدالت قضایی، اصل براءت، منع شکنجه.

مقدمه

در هر نظام حقوقی، حقوق متهمان به‌عنوان یکی از اصول بنیادی حقوق بشری، نقش مهمی در تضمین عدالت و انصاف در فرایند دادرسی دارد. در نظام حقوقی ایران، این حقوق نه تنها از منابع حقوقی مدرن بلکه از فقه اسلامی نیز الهام گرفته شده است. مطالعه و بررسی حقوق متهمان در چارچوب فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا این دو منبع حقوقی پایه و اساس نظام قضایی کشور را تشکیل می‌دهند. در این مقاله، به تحلیل حقوق متهمان در فقه اسلامی و تطبیق آن با قانون آیین دادرسی کیفری ایران پرداخته می‌شود. مسئله اصلی در این پژوهش، بررسی و تحلیل حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران است. با توجه به اینکه فقه اسلامی به‌عنوان یکی از منابع اصلی قانون‌گذاری در ایران محسوب می‌شود، مطالعه تطبیقی میان این دو منبع حقوقی برای شناسایی نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها ضروری است. از طرف دیگر، نیاز به تطبیق اصول فقهی با مقتضیات روز جامعه و چالش‌های پیش‌رو در اجرای حقوق متهمان در ایران از دیگر مسائل مطرح در این تحقیق است. به‌عبارت دیگر، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان اصول فقه اسلامی را در راستای حمایت از حقوق متهمان در نظام حقوقی ایران به کار گرفت.

اهمیت این تحقیق در چندین بعد قابل بررسی است. نخست، از منظر علمی، این تحقیق به توسعه دانش حقوقی در زمینه حقوق متهمان و تبیین جایگاه آن در فقه اسلامی کمک می‌کند. در سطح عملی، نتایج این تحقیق می‌تواند به بهبود قوانین و رویه‌های قضایی در ایران منجر شود. با توجه به اینکه حقوق متهمان بخشی از حقوق بشر است، این تحقیق می‌تواند به ارتقای سطح رعایت حقوق بشر در نظام قضایی ایران کمک کند. همچنین، این تحقیق به وکلا، قضات و پژوهشگران حقوقی کمک می‌کند تا با دیدگاه‌های فقهی و قانونی پیرامون حقوق متهمان آشنا شوند و در پرونده‌های قضایی از آن بهره ببرند.

این تحقیق اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که به شرح زیر است:

تبیین حقوق متهمان در فقه اسلامی: تحلیل و بررسی اصول و قواعد فقهی که حقوق متهمان را تبیین می‌کنند.
بررسی تطبیقی حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران: شناسایی نقاط اشتراک و افتراق میان این دو منبع حقوقی.
ارائه راهکارهای حقوقی: پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود حقوق متهمان در نظام قضایی ایران، با توجه به اصول فقهی و قوانین مدون.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. ابتدا با استفاده از منابع فقهی و حقوقی به بررسی نظریات مختلف پیرامون حقوق متهمان پرداخته و سپس با رویکرد تطبیقی، این نظریات با قوانین جاری ایران مقایسه می‌شوند. منابع تحقیق شامل کتب فقهی، مقالات علمی، و قوانین مدون ایران است.

سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

- حقوق متهمان در فقه اسلامی چگونه تبیین می‌شود و چه تفاوتی با حقوق متهمان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران دارد؟
- چه چالش‌هایی در تطبیق حقوق فقهی با قوانین جاری ایران وجود دارد و چگونه می‌توان آن‌ها را مرتفع کرد؟
- چه راهکارهایی برای تقویت حقوق متهمان در نظام حقوقی ایران وجود دارد؟

مبانی نظری حقوق متهمان در فقه اسلامی

تعریف و مفهوم حقوق متهمان در فقه اسلامی

حقوق متهمان در فقه اسلامی شامل مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که به منظور حمایت از افراد در برابر اتهامات ناروا و تضمین عدالت در فرایند دادرسی تدوین شده‌اند. این حقوق بر مبنای اصول کلی فقه اسلامی، نظیر حفظ کرامت انسانی، منع ظلم، و تضمین حق دفاع استوار است (مطهری، ۱۳۸۵). فقه اسلامی تأکید دارد که هیچ فردی نباید بدون دلایل محکم و مستند به ارتکاب جرم متهم شود و هر گونه اتهام باید با رعایت دقیق اصول عدلیه مورد بررسی قرار گیرد (حسینی، ۱۳۹۰).

جایگاه حقوق متهمان در اصول فقهی

در فقه اسلامی، حقوق متهمان جایگاه والایی دارد و به عنوان بخشی از حقوق بشری و الهی مورد تأکید قرار گرفته است. اصل "لاضرر و لااضرار" به عنوان یکی از اصول پایه‌ای در فقه اسلامی، تأکید می‌کند که هیچ گونه ضرری نباید به متهم وارد شود مگر اینکه جرم او به طور قطعی اثبات شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). همچنین، اصل برائت (اصل الاصله البراءه) به عنوان یک اصل اساسی در فقه اسلامی، فرض را بر بی گناهی فرد می‌گذارد تا زمانی که خلاف آن اثبات شود (خمینی، ۱۳۶۳).

مستندات قرآنی و روایی حقوق متهمان

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی فقه اسلامی، حاوی آیاتی است که بر ضرورت رعایت حقوق متهمان تأکید دارد. به عنوان مثال، در سوره نساء آیه ۵۸، قرآن کریم به قضاوت عادلانه و عدم تمایل به سوی ظلم تأکید می‌کند: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ..." (طباطبایی، ۱۴۱۷). همچنین، در سوره مائده آیه ۸، بر اهمیت اجرای عدالت حتی در برابر دشمنان تأکید شده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ..."

در روایات اسلامی نیز، حقوق متهمان مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (ع) در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه به قاضیان توصیه می‌کند که در قضاوت خود با رعایت انصاف و عدل، از حقوق متهمان دفاع کنند و از پیش داوری خودداری کنند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴). همچنین، روایات دیگری از پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه وجود دارد که بر منع شکنجه و اعتراف‌گیری تحت فشار تأکید دارند (کلینی، ۱۴۰۷).

اصول عدالت و انصاف در برخورد با متهمان در فقه اسلامی

اصل برائت

اصل برائت به عنوان یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی، به این معناست که هر فردی تا زمانی که جرم او به طور قطعی اثبات نشده باشد، بی گناه فرض می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵). این اصل به نوعی تضمین‌کننده حقوق متهم در برابر اتهامات نادرست و حفاظت از کرامت انسانی اوست. فقها بر این باورند که اصل برائت نه تنها در حقوق جزایی، بلکه در تمام شاخه‌های فقهی حاکم است و نباید بدون دلیل قاطع، فردی را مجرم دانست (حسینی، ۱۳۹۰).

اصل تساوی در برابر قانون

فقه اسلامی تأکید ویژه‌ای بر تساوی افراد در برابر قانون دارد. این اصل به معنای آن است که هیچ فردی نباید به دلیل جایگاه اجتماعی، اقتصادی یا قومی خود، از امتیازات ویژه‌ای در دادرسی برخوردار شود یا به طور ناعادلانه مورد تعقیب قرار گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). در

فقه اسلامی، قضاوت باید به گونه‌ای باشد که همه افراد، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در برابر قانون از حقوق یکسانی برخوردار باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷).

منع شکنجه و اعتراف‌گیری با زور

یکی از اصول مهم در فقه اسلامی، منع شکنجه و هرگونه فشار جسمی و روانی برای گرفتن اعتراف از متهم است. این اصل نه تنها در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، بلکه در قوانین بین‌المللی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است (خمینی، ۱۳۶۳). فقهای اسلامی بر این باورند که اعترافی که تحت فشار یا شکنجه به دست آید، از نظر شرعی و قانونی معتبر نیست و نمی‌توان بر مبنای آن حکم صادر کرد (کلینی، ۱۴۰۷).

بررسی تطبیقی حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون ایران

تطبیق کلی حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون ایران

فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران هر دو به عنوان منابع اصلی حقوق متهمان در ایران شناخته می‌شوند، اما این دو دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در مبانی نظری و اجرای عملی حقوق متهمان هستند. فقه اسلامی، بر اساس اصول کلی شریعت و ارزش‌های دینی، حقوق متهمان را با تأکید بر حفظ کرامت انسانی و عدالت اجتماعی تبیین می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری ایران، که تحت تأثیر نظام‌های حقوقی مدرن و حقوق بین‌الملل شکل گرفته، تلاش دارد تا با تلفیق اصول فقهی و مبانی حقوق بشری معاصر، مجموعه‌ای جامع از حقوق متهمان را تدوین و اجرا کند (حسینی، ۱۳۹۰).

در فقه اسلامی، اصل برائت به عنوان یک اصل اساسی شناخته می‌شود که بر اساس آن، هر فردی تا زمانی که جرم او به صورت قطعی اثبات نشده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود (خمینی، ۱۳۶۳). این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز تصریح شده است، اما در نحوه اجرای آن تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. برای مثال، در برخی موارد، قانون‌گذار ایرانی در مواجهه با جرایم خاص، محدودیت‌هایی را بر این اصل اعمال کرده که در فقه اسلامی کمتر دیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

همچنین، در فقه اسلامی، رعایت حقوق متهمان به عنوان یک تکلیف دینی و اخلاقی مطرح است و هرگونه تعدی به این حقوق، نه تنها از نظر قانونی بلکه از دیدگاه دینی نیز مذموم و غیرقابل قبول است (کلینی، ۱۴۰۷). در مقابل، قانون آیین دادرسی کیفری ایران بیشتر بر مبنای تضمین حقوق قانونی و بین‌المللی متهمان استوار است و از این رو، حقوق متهمان در این قانون به صورت جزئی‌تر و با توجه به مقتضیات حقوق بشر تدوین شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷).

بررسی حقوق متهمان در مراحل مختلف دادرسی

حقوق متهم در مرحله تحقیق و بازجویی

در مرحله تحقیق و بازجویی، حقوق متهمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا این مرحله می‌تواند به طور مستقیم بر نتیجه دادرسی تأثیر بگذارد. در فقه اسلامی، تأکید بسیاری بر حفظ کرامت انسانی متهم و جلوگیری از اعمال هرگونه فشار روانی و جسمی بر او وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵). متهم باید در محیطی آرام و به دور از تهدید و ارعاب مورد بازجویی قرار گیرد و از حق سکوت برخوردار باشد. این موضوع در

قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که هرگونه اعتراف یا اطلاعاتی که تحت فشار یا شکنجه از متهم اخذ شود، فاقد اعتبار قانونی است (حسینی، ۱۳۹۰).

در فقه اسلامی، همچنین، تاکید می‌شود که بازجویی باید با رعایت عدالت و انصاف انجام شود و قاضی یا بازجو نباید در جهت تحقیر یا تخریب شخصیت متهم عمل کند (کلینی، ۱۴۰۷). در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، این حقوق به صورت صریح بیان شده است. برای مثال، ماده ۱۹۶ این قانون تاکید می‌کند که بازپرس باید به حقوق متهم احترام بگذارد و از هرگونه رفتار ناعادلانه خودداری کند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

حقوق متهم در مرحله دادگاه

حقوق متهم در مرحله دادگاه شامل مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که برای تضمین دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه ضروری است. در فقه اسلامی، بر اصل تساوی در برابر قانون تاکید شده است؛ به این معنا که همه افراد، بدون توجه به موقعیت اجتماعی یا اقتصادی‌شان، باید از دادرسی عادلانه برخوردار شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز تصریح شده است و متهم از حقوقی مانند حق داشتن وکیل، حق ارائه دفاعیات و حق اعتراض به رای صادره برخوردار است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از حقوق مهم متهم در مرحله دادگاه، حق حضور در جلسات دادرسی است. فقه اسلامی تاکید می‌کند که متهم باید از تمامی مراحل دادرسی مطلع باشد و حق حضور در دادگاه را داشته باشد تا بتواند از خود دفاع کند (طباطبایی، ۱۴۱۷). این حق در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز به رسمیت شناخته شده و تاکید شده است که هیچ حکمی نباید بدون حضور متهم صادر شود، مگر در شرایط خاص که قانون اجازه داده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

حقوق متهم در مرحله تجدیدنظر

مرحله تجدیدنظر از جمله مراحل حساس دادرسی است که در آن، متهم می‌تواند نسبت به حکمی که علیه او صادر شده است، اعتراض کند. در فقه اسلامی، اصل بر این است که هر فردی باید از فرصت دوباره‌ای برای دفاع از خود برخوردار باشد و در صورت بروز هرگونه خطا یا ناعدالتی در دادرسی اولیه، امکان تجدیدنظر وجود داشته باشد (مطهری، ۱۳۸۵). این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته و متهم حق دارد در صورت نارضایتی از رای صادره، درخواست تجدیدنظر نماید (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

فقه‌های اسلامی بر این باورند که مرحله تجدیدنظر فرصتی برای اصلاح اشتباهات احتمالی قاضی در دادرسی اولیه است و به همین دلیل، تاکید بسیاری بر رعایت دقت و عدالت در این مرحله دارند (خمینی، ۱۳۶۳). در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز تاکید شده است که دادگاه تجدیدنظر باید با دقت و بررسی مجدد کلیه مستندات و ادله، رای نهایی را صادر کند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

ضمانت اجرایی حقوق متهمان در فقه و قانون

ضمانت‌های فقهی

ضمانت‌های اجرایی حقوق متهمان در فقه اسلامی عمدتاً مبتنی بر اصول اخلاقی و دینی است. فقه اسلامی تاکید دارد که هرگونه تخلف از حقوق متهمان نه تنها از نظر شرعی غیرقابل قبول است، بلکه عواقب اخروی نیز به همراه دارد (کلینی، ۱۴۰۷). همچنین، در فقه اسلامی، برای

قضات و مجریان قانون که از این حقوق تخطی کنند، ضمانت‌هایی مانند قصاص، دیه، و تعزیر پیش‌بینی شده است (حسینی، ۱۳۹۰). این ضمانت‌ها نه تنها به عنوان ابزاری برای جلوگیری از تخلف، بلکه به عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

ضمانت‌های قانونی در آیین دادرسی کیفری

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ضمانت‌های اجرایی برای حمایت از حقوق متهمان به صورت دقیق تدوین شده‌اند. این ضمانت‌ها شامل مقرراتی است که عدم رعایت حقوق متهمان را مشمول مجازات‌های کیفری یا انضباطی می‌کند. برای مثال، در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، برای افرادی که بدون حکم قانونی، شخصی را بازداشت یا توقیف کنند، مجازات‌هایی تعیین شده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). همچنین، در قانون آیین دادرسی کیفری، تصریح شده است که هرگونه اعتراف یا اطلاعاتی که تحت شکنجه یا فشار به دست آید، باطل و بی اعتبار است و استفاده از آن در دادگاه ممنوع است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

چالش‌ها و نواقص حقوق متهمان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران

نواقص قانونی و چالش‌های عملی

نواقص در تعریف و شناخت حقوق متهمان

یکی از چالش‌های اساسی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، عدم تعریف جامع و روشن از حقوق متهمان است. در برخی موارد، این حقوق به طور کلی و مبهم بیان شده‌اند که می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف و نادرست در عمل شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). به عنوان مثال، حق برخورداری از وکیل در برخی مراحل دادرسی به صراحت تعریف نشده و محدودیت‌هایی برای استفاده از این حق وجود دارد که با اصول بین‌المللی حقوق بشر همخوانی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷).

چالش‌های اجرایی حقوق متهمان در نظام قضایی ایران

علاوه بر نواقص قانونی، در زمینه اجرایی نیز چالش‌های متعددی وجود دارد. یکی از این چالش‌ها، عدم رعایت کامل حقوق متهمان در مرحله بازجویی است. در برخی موارد، متهمان تحت فشار قرار می‌گیرند تا اعتراف کنند، که این امر با اصول فقهی و قانونی مغایرت دارد (حسینی، ۱۳۹۰). همچنین، در مواردی، دادگاه‌ها به دلیل تراکم پرونده‌ها و فشار کاری، فرصت کافی برای بررسی دقیق مستندات و رعایت حقوق متهمان ندارند، که این امر می‌تواند منجر به ناعدالتی در دادرسی شود (کلینی، ۱۴۰۷).

بررسی موارد نقض حقوق متهمان در رویه قضایی ایران

موارد نقض در مرحله تحقیق

در مرحله تحقیق، یکی از موارد رایج نقض حقوق متهمان، بازداشت‌های غیرقانونی و بدون حکم قضایی است. این موضوع به ویژه در جرایم سیاسی و امنیتی مشهود است، جایی که متهمان بدون دسترسی به وکیل و در شرایط نامناسب بازجویی می‌شوند (خمینی، ۱۳۶۳). علاوه بر این، در برخی موارد، بازجوها از روش‌های غیرقانونی مانند شکنجه برای گرفتن اعتراف از متهمان استفاده می‌کنند که این عمل به طور صریح در فقه اسلامی و قوانین ایران ممنوع است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

موارد نقض در مرحله دادگاه

در مرحله دادگاه، یکی از مشکلات اساسی، عدم رعایت حق دفاع متهمان است. در برخی موارد، متهمان به دلیل عدم دسترسی به وکیل مجرب یا فشارهای روانی قادر به دفاع موثر از خود نیستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). همچنین، در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها با سرعت بالا و بدون بررسی کامل ادله، حکم صادر می‌کنند که این امر می‌تواند منجر به صدور احکام ناعادلانه شود (طباطبایی، ۱۴۱۷).

موارد نقض در مرحله اجرای حکم

در مرحله اجرای حکم، مواردی از نقض حقوق متهمان گزارش شده است که شامل اجرای احکام بدون اطلاع رسانی مناسب به متهمان و خانواده‌هایشان و نیز اجرای مجازات‌هایی مانند اعدام در شرایط غیرانسانی است (حسینی، ۱۳۹۰). این اقدامات با اصول فقهی و قانونی که بر رعایت کرامت انسانی تاکید دارند، مغایرت دارد و نیازمند اصلاحات جدی است (کلینی، ۱۴۰۷).

نقش نهادهای نظارتی در حمایت از حقوق متهمان

نهادهای نظارتی مانند دیوان عالی کشور، دادستانی کل و سازمان بازرسی کل کشور نقش مهمی در حمایت از حقوق متهمان دارند. این نهادها با نظارت بر عملکرد قضات و مأموران قضایی، تلاش می‌کنند تا از تخلفات و نقض حقوق متهمان جلوگیری کنند (مطهری، ۱۳۸۵). با این حال، در عمل، این نهادها با چالش‌هایی مانند کمبود منابع، فشارهای سیاسی و عدم استقلال کامل مواجه هستند که ممکن است منجر به کاهش کارایی آن‌ها در حمایت از حقوق متهمان شود (حسینی، ۱۳۹۰).

پیشنهادات و راهکارها برای بهبود حقوق متهمان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای بهبود حقوق متهمان در ایران، تقویت مبانی حقوقی و فقهی در قوانین کشور است. از آنجا که نظام حقوقی ایران بر مبنای اصول فقه اسلامی و قوانین موضوعه استوار است، لازم است تا همگامی بیشتری بین این دو حوزه ایجاد شود. در این راستا، تطبیق اصول فقهی با مقتضیات روز و مسائل جدید حقوقی ضروری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). برای مثال، برخی از اصول فقهی نظیر اصل براءت و اصل منع شکنجه نیازمند بازنگری و تفسیرهای جدیدی هستند که بتوانند با حقوق بشر بین‌المللی و حقوق مدرن هماهنگ‌تر شوند (حسینی، ۱۳۹۰).

همچنین، لازم است تا قوانین کشور به‌طور دقیق‌تری مبانی فقهی را در نظر بگیرند و از تفسیرهای محدود و سنتی پرهیز کنند. این امر می‌تواند از طریق استفاده از نظر فقها و حقوقدانان برجسته و نیز بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر که دارای نظام حقوقی مشابه هستند، محقق شود (مطهری، ۱۳۸۵). به این ترتیب، می‌توان حقوق متهمان را به‌صورت جامع‌تری در قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین مرتبط، مدون و نهادینه کرد.

برای اطمینان از رعایت حقوق متهمان، لازم است که سازوکارهای نظارتی و حمایتی موثرتری در نظام قضایی کشور ایجاد شود. این سازوکارها باید شامل نظارت مستمر بر عملکرد قضات و مأموران قضایی، تضمین حق دفاع مؤثر و دسترسی به وکیل، و ایجاد نهادهای مستقل نظارتی باشد که بتوانند از حقوق متهمان به‌طور فعال حمایت کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷).

یکی از مشکلات اصلی در نظام قضایی ایران، عدم وجود نظارت کافی بر عملکرد دستگاه قضایی و نقض حقوق متهمان در برخی مراحل دادرسی است (کلینی، ۱۴۰۷). برای رفع این مشکل، پیشنهاد می‌شود که نهادی مستقل و قدرتمند با اختیارات گسترده برای نظارت بر رعایت حقوق

متهمان تأسیس شود. این نهاد می‌تواند شامل نمایندگان از قوه قضائیه، وکلا، و نهادهای حقوق بشری باشد که به‌طور منظم از مراحل مختلف دادرسی بازدید کنند و گزارش‌هایی را درباره عملکرد دستگاه قضایی و رعایت حقوق متهمان تهیه کنند (حسینی، ۱۳۹۰).

اصلاح و به‌روزرسانی قانون آیین دادرسی کیفری ایران از جمله اقدامات ضروری برای بهبود وضعیت حقوق متهمان است. این اصلاحات باید به‌گونه‌ای انجام شود که نه تنها با مبانی فقهی همخوانی داشته باشد، بلکه با اصول حقوق بشر بین‌المللی نیز تطابق داشته باشد. در مرحله تحقیق و بازجویی، باید قوانین به‌گونه‌ای اصلاح شوند که از هرگونه فشار جسمی و روانی بر متهم جلوگیری شود. برای مثال، باید قوانین صریحی برای ممنوعیت استفاده از شکنجه و هرگونه فشار برای گرفتن اعتراف تصویب شود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲). علاوه بر این، لازم است که حق دسترسی به وکیل در تمام مراحل بازجویی تضمین شود و هرگونه محرومیت از این حق به‌عنوان نقض حقوق اساسی متهم تلقی گردد (مطهری، ۱۳۸۵).

در مرحله دادگاه، لازم است که حق برخورداری از دادرسی عادلانه به‌طور کامل رعایت شود. این امر می‌تواند از طریق تضمین دسترسی به وکیل، ارائه فرصت کافی برای دفاع، و حق اعتراض به رأی دادگاه محقق شود (حسینی، ۱۳۹۰). همچنین، باید قوانینی تصویب شود که تضمین کند دادگاه‌ها به‌طور بی‌طرفانه و بدون تأثیرات خارجی عمل کنند و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس مستندات و شواهد معتبر انجام شود (طباطبایی، ۱۴۱۷). در مرحله تجدیدنظر و اجرای حکم، باید اطمینان حاصل شود که متهم از حق درخواست تجدیدنظر بدون هرگونه محدودیت برخوردار باشد. همچنین، اجرای احکام باید به‌گونه‌ای انجام شود که با کرامت انسانی متهم سازگار باشد و از هرگونه رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز جلوگیری شود (کلینی، ۱۴۰۷). در این زمینه، پیشنهاد می‌شود که قوانین جدیدی برای محدود کردن استفاده از مجازات‌های خشن و نامتناسب تصویب شود و جایگزین‌های مناسبی برای مجازات‌های سنتی معرفی گردد (حسینی، ۱۳۹۰).

آموزش قضات و وکلا در زمینه حقوق متهمان از جمله اقدامات کلیدی برای بهبود وضعیت دادرسی‌ها و رعایت حقوق متهمان است. این آموزش‌ها باید شامل آشنایی با مبانی فقهی و حقوق بشری مرتبط با حقوق متهمان، تفسیرهای جدید از اصول فقهی، و بررسی موارد نقض حقوق متهمان در پرونده‌های گذشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸).

برای ارتقاء سطح آگاهی وکلای حقوقی، لازم است که دوره‌های آموزشی مستمری برگزار شود که در آن‌ها به بررسی موارد عملی و نظری حقوق متهمان پرداخته شود. همچنین، قضات نیز باید به‌طور مستمر در دوره‌های بازآموزی شرکت کنند تا با تحولات جدید در زمینه حقوق متهمان و حقوق بشر آشنا شوند (مطهری، ۱۳۸۵). این آموزش‌ها می‌توانند به صورت کارگاه‌ها، سمینارها، و دوره‌های آنلاین برگزار شوند و از اساتید و متخصصان برجسته در این حوزه برای تدریس استفاده شود (طباطبایی، ۱۴۱۷).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی حقوق متهمان در فقه اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران پرداخته شد. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هرچند اصول فقهی و قانونی هر دو به‌طور جدی به حمایت از حقوق متهمان توجه دارند، اما در عمل تفاوت‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که نیازمند اصلاحات و به‌روزرسانی قوانین است (حسینی، ۱۳۹۰). همچنین، موارد نقض حقوق متهمان در نظام قضایی ایران مشهود است که نشان‌دهنده نیاز به تقویت سازوکارهای نظارتی و حمایتی است (کلینی، ۱۴۰۷).

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تأکید فراوان فقه اسلامی و قوانین جاری بر حقوق متهمان، هنوز نواقص و چالش‌هایی در اجرای این حقوق وجود دارد. عدم تطابق کامل بین اصول فقهی و قوانین مدرن، نارسایی‌های موجود در قانون آیین دادرسی کیفری، و نیز چالش‌های عملی در اجرای این قوانین از جمله عواملی هستند که منجر به نقض حقوق متهمان در برخی موارد می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵). این نواقص و چالش‌ها نیازمند توجه جدی و انجام اصلاحات گسترده در نظام قضایی کشور است (حسینی، ۱۳۹۰).

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، توصیه می‌شود که قوانین موجود با توجه به نیازهای روز جامعه و حقوق بشر بین‌المللی به‌روزرسانی شوند. همچنین، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و موثر برای حمایت از حقوق متهمان ضروری است (طباطبایی، ۱۴۱۷). تقویت آموزش‌های حقوقی برای قضات و وکلا و استفاده از تجربیات دیگر کشورها می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق متهمان در ایران کمک کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). در نهایت، اصلاحات ساختاری و قانونی باید به گونه‌ای انجام شود که تضمین‌کننده اجرای کامل و صحیح حقوق متهمان در تمامی مراحل دادرسی باشد (کلینی، ۱۴۰۷).

فهرست منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۰). فقه و حقوق جزا. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۳). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). تهران: روزنامه رسمی.
- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). تهران: روزنامه رسمی.